

بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌المللی^۱

محدثه معینی فر^۲

چکیده

حق بر هویت یا حق دانستن کودک از جمله حقوقی است که در کنوانسیون حقوق کودک به آن اشاره شده و مصادیقی برای آن بر شمرده شده است. این کنوانسیون همچنین راهکارهایی را در جهت حفظ حق هویت ارائه داده است؛ اما با بررسی قوانین کشورهای مختلف، می‌توان دریافت که بسیاری از کشورها با این‌که به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته‌اند، چندان به حق بر هویت کودک توجهی ندارند. به نظر می‌رسد که نارسایی در قوانین همین کشورها سبب شده است که چنین حقی برای کودک در کنوانسیون فرض شود. حال آیا مسأله هویت می‌تواند به عنوان حق برای کودکان مطرح شود یا آن‌که بستر نادرست قوانین هدایت‌کننده جوامع غربی از جمله قانونی شمردن روابط آزاد جنسی، تولد ناشناس و رازداری در اهدای گامت و جنین باعث شناسایی این حق شده است. به نظر نگارنده، قوانین اسلامی با توجه به نسب و حرمت زنا مانع از گم شدن هویت کودک و در نتیجه شناسایی این حق برای حفظ منافع کودک می‌شود و در نتیجه نیازی به طرح حق هویت اصالتاً ندارد؛ در حالی که اسناد غربی، آن را مطرح می‌کنند، اما بدان پایبند نمی‌مانند.

واژگان کلیدی

هویت، اسلام، اسناد بین‌المللی، نسب، تولد ناشناس، رازداری

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۵/۷

۲- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مذهب اسلامی

مقدمه

یکی از حقوقی که در کنوانسیون حقوق کودک برشمرده شده است، حق بر هویت اوست. این حق در موقعیت‌های مختلفی برای وی در این کنوانسیون شناسایی شده است. کشورهایایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، باید آن را در قوانین فعلی خود لحاظ کنند. ایران نیز از جمله آن کشورهاست. در این راستا و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، منابع اسلامی می‌توانند به وضوح حدود این حق و چگونگی لحاظ آن در قوانین فعلی کمک نمایند. لازم به ذکر است که اسلام حقوق بی‌شماری را برای کودک در دوران‌های مختلف زندگی برشمرده است که خود می‌تواند کنوانسیون مستقلی برای حقوق کودک به شمار آید، مثلاً قبل از ولادت کودک، به مواردی مانند انتخاب همسر در ازدواج والدین، انگیزه ازدواج، کیفیت انعقاد نطفه و مواظبت از جنین اهمیت می‌دهد و در دوران نوزادی نیز حقوقی مثل اعتراف به نسب و حضانت، امنیت طفل، تابعیت، نام‌گذاری، غسل نوزاد، عقیقه (قربانی کردن گوسفند برای سلامتی کودک تازه متولد شده)، شیر مادر و ممنوعیت آزارسانی به نوزاد را مطرح می‌نماید. اسلام همچنین در دوران کودکی حق تربیت و محبت و بازی با کودک را از حقوق وی می‌داند و در دوره‌های نوجوانی و جوانی نیز حقوقی را برای وی برمی‌شمرد. پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا حق بر هویت کودک اساساً و اصالتاً از حقوق کودک شمرده می‌شود یا برآمده از نظام حقوق بشری غرب است که در اثر تصویب قوانین نادرست در هنگام تعارض میان منافع کودک و والدینش به وجود آمده است؟ آیا در فقه اسلامی نیز زمینه برای شکل‌گیری این حق وجود دارد یا آن‌که فقه اسلامی از ابتدا راه را برای گم شدن نسب بسته است تا کودک با مشکلات هویتی از این دست روبرو نشود؟ این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است و بر فرضیه‌های زیر مبتنی است: حق بر هویت کودک از حقوق با اصالت و ذاتی وی نیست و برآمده نظام حقوق بشری است. همچنین اسلام با راهکارهای قابل توجه خود راه را بر روی گم شدن نسب بسته است و در نتیجه این راهکارهای پیش‌گیرانه، دیگر شناسایی حق بر هویت لازم نمی‌باشد.

مفهوم هویت

درباره مفهوم هویت، مطالب بسیاری نگاشته شده است که از جمله می‌توان به کیفیت تشخیص فرد و شناسایی وی در جامعه اشاره کرد؛ به نحوی که فرد، بدون آن، احساس گم‌گشتگی، تهی‌بودن، عدم تکامل زندگی و عدم توان برای ادامه زندگی کند. هویتی‌تواند در اشکال مختلف خانوادگی، قبیله‌ای، زیستی و سیاسی وجود داشته باشد. همچنین، این حقیقت که توسعه هویت، جزء ضروری شخصیت فرد است، مورد وفاق همگان است و در حقوق بین‌الملل به عنوان حقوق بشر دارای ارزش حمایتی می‌باشد؛ زیرا منفعت کودکان در آن منظور شده است (Ishaque, 2008, P.395).

مفهوم لغوی: دهخدا هویت را در لغت به تشخص تعریف کرده است. این معنی میان متکلمان و حکیمان نیز مشهور و متداول است. گاه هویت بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و زمانی بر ماهیت با تشخص اطلاق می‌گردد که عبارت است از حقیقت جزئی یا آنچه موجب شناسایی شخص باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳۵۹۶)؛ یعنی هرگاه ماهیت با تشخص لحاظ و اعتبار شود، هویت، حقیقت جزئی است. هویت گاه به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و گاه بالذات و گاه بالعرض است (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲۳).

مفهوم اصطلاحی: برای رسیدن به مفهوم اصطلاحی هویت، لازم است به بررسی مفهوم هویت در سه حوزه علم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست، پرداخت و تعریفی از آن در این سه حوزه ارائه داد. روان‌شناسان، بیشتر در مورد هویت فردی و بحران‌های آن بحث می‌کنند؛ جامعه‌شناسان به مشکلات هویت اجتماعی افراد توجه دارند و در علوم سیاسی، بحث هویت ملی اهمیت زیادی پیدا می‌کند (کمالی اردکانی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۱). هویت از دیدگاه روان‌شناسی، همان اوئیت یا آنیت شخص یا شیء است که به معنی این همانی فرد یا شیء می‌باشد (آزاد ارملکی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲).

در جامعه‌شناسی، هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه به معنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آن را

و آنها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد (الطائی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۹؛ محرمی، ۱۳۸۳، ص ۶۲).

علم سیاست، نیز به مفهوم هویت ملی نظر دارد؛ از دید این علم، «هویت ملی در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک واحد سیاسی هستند، موضوع قوانین آن واقع شوند و از لحاظ روانی خود را از اعضای آن واحد بدانند. هویت فرد مجموعه‌ای انفکاک‌ناپذیر از روابط مادی و معنوی است و هویت ملی هر فرد هم به صورت بخشی از کل هویتش در رابطه با جامعه‌ای که بدان تعلق دارد و یا احساس می‌کند که تعلق دارد، شکل می‌گیرد» (رواسانی، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

در جمع میان این سه دیدگاه، می‌توان هویت را بدین گونه تعریف کرد: «هویت نوعی مفهوم اطلاعاتی - آگاهی است که باعث شناختن خود از خود، خود از دیگران و دیگران از خود می‌شود (قانع بصیری، ۱۳۷۴، ص ۸۲). در انتهای این بحث لازم به ذکر است که هویت در علم حقوق مورد توجه واقع نگشته و تعریفی از آن ارائه نشده است.

منابع هویت

منابع هویت عمدتاً عبارتند از منابع انتسابی (سن، اصل، نسب، جنسیت)، فرهنگی (قبیله، قوم، عشیره، زبان، ملیت، مذهب و تمدن)، سیاسی (جناح، فرقه، رهبر، گروه ذی‌نفع، جنبش، آرمان، حزب ایدئولوژی و دولت)، ارضی (همسایه، روستا، شهر، استان، ایالت، بخش، کشور، منطقه جغرافیایی، قاره، نیم‌کره)، اقتصادی (شغل، پیشه، حرفه، گروه کاری، کارفرما، صنعت، واحد اقتصادی، اتحادیه کارگری و طبقه) و اجتماعی (دوستان، باشگاه، تیم، همکاران، گروه تفریحی، منزلت اجتماعی) (هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص ۴۸-۴۹).

زمینه‌های شناسایی حق کودک بر هویت در غرب

هویت از جمله مفاهیمی است که در قرون اخیر به عرصه اندیشه‌های مکاتب وارد شده است. هویت در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و روان‌شناسی مطرح شده است؛

اما باید دانست که هویت فردی که جایگاه آن در علم روان‌شناسی است، به ناچار و به سبب تصویب برخی از قانون‌ها وارد حوزه حقوق و قانون شده است.

لیبرال دموکراسی با توسعه روابط آزاد جنسی و قانونی نمودن آن‌ها در خلال تصویب قوانینی چون قانون همزیستی مشترک مدنی^۱، شرایط خاصی را برای کودکان حاصل از این روابط به وجود آورده است، به گونه‌ای که این کودکان یا پیش از تولد سقط می‌شوند یا به طور ناشناس متولد می‌شوند. برای نمونه، در فرانسه، تعداد فرزندان نامشروع بدون نام خانوادگی در شناسنامه، در هر سال ۱۰۰۰ کودک است.

این آمار، بیش از دیگر کشورهاست (Willenbacher, 2004, P.348). هنگامی که تولد ناشناس^۲ در مراکز کودک در سوئیس، فرانسه، اتریش و آلمان پیشنهاد داده شد، مباحث اخلاقی بسیاری علیه ترک کودکان و کودک‌کشی شکل گرفت.

پیش از این نیز، والدینی که تمایل به پذیرفتن فرزند داشتند، نیز رو به افزایش بود و تعداد کودکان موجود برای فرزندخواندگی کم شده بود. تولد ناشناس در واقع پس از تصویب قانون اتمام حاملگی اجباری در برخی از کشورهای غربی به ویژه فرانسه، برای جلوگیری از اسقاط جنین‌های ناخواسته، به عرصه قانونگذار یوار شد، تا بازهم لیبرالیسم بتواند افراد را از قید و بند مسؤولیت‌های خانوادگی به ویژه در قبال کودکان برهاند. یکی از دلایل اساسی برای حمایت از این قوانین، نجات جان مادر و فرزندش است. از زمانی که اتمام دوره حاملگی در سال ۱۹۷۵، طی قانونی، اجباری شد، اسقاط جنین‌های ناخواسته همچنان ادامه داشت. به همین جهت آنان قانون جواز ولادت ناشناس را برای جبران محدودیت‌های قانون سال ۱۹۷۵، جبران جواز چنین قانونی و همچنین نجات کودکان، تصویب نمودند (Lefaucheur, 2004, P.329).

1- Civil Partnership Act

۲- بر مبنای تولد ناشناس، هرگاه زنی از طریق نامشروع باردار شود، می‌تواند در مراکز فرزند خود را به دنیا بیاورد و پس از آن، بدون این‌که مسؤولیتی نسبت به وی داشته باشد، او را رها کند و دولت نیز این کودک را به عنوان فرزندخوانده به خانواده‌ای دیگر می‌سپارد و یا در مراکز مخصوص نگهداری می‌کند.

فمینیست‌ها معمولاً، در کنار پزشکان در این بحث‌ها شرکت می‌جستند، ولی نه به خاطر این‌که از اسقاط جنین‌های ناخواسته جلوگیری نمایند؛ بلکه آن‌ها می‌خواستند حق زنان را در اسقاط جنین‌های ناخواسته توسعه دهند. بنابراین، آن‌ها قوانین مربوط به ولادت ناشناس را زمینه‌ای مناسب برای تعدیل قانون سال ۱۹۷۵ می‌دانستند. فمینیست‌ها در سازمان اهداف خانواده و سازمان‌های مخالف تجاوز به عنف که از دهه ۱۹۷۰ فعال هستند، عضو می‌باشند. همچنین آن‌ها تلاش‌های بسیاری را برای اعتبار بخشیدن به حق جنسی، تولید مثل و حق کنترل بدن زن به عمل آوردند. همچنین آنان از دهه ۱۹۷۰ علاوه بر حقوق فوق به دنبال حذف عنوان مادری برآمدند. مهم‌ترین بحث در این زمینه مربوط به اسقاط جنین بود. اصل اساسی آنان این بود که به زن حق داده شود که از انجام وظایف و مسؤولیت‌های خود در خانواده و زندگی خصوصی خودداری کند. بنابراین قوانین مزبور، عدم مسؤولیت زن در قبال کودکش را تضمین می‌نمود؛ به ویژه هنگامی که زنان مورد تجاوز واقع می‌شدند. فمینیست‌ها هرگز به تمایلات احساسات کودکان حاصل از این‌گونه تولدها کعبه دنبال منشأ ژنتیکی خود بودند، اهمیتی نمی‌دادند (Lefaucheur, 2004, P.331).

از سوی دیگر، با توسعه تکنولوژی‌های کمک باروری، بحث تعارض منافع میان مشارکت کنندگان در این فرآیند پیش آمد. تعارض منافع می‌تواند بین گیرندگان، فرزند حاصله، دهندگان، سیستم برقرارکننده اهدا در جامعه، فراهم‌کنندگان و حامیان اهدای گامت و جنین و نیز کل جامعه حادث شود که هر یک توجهات خاص خود را می‌طلبند. در فرآیند روش‌های مختلف کمک باروری^۱، گاه پنج نفر نقش والدین را به نحوی بازی می‌کنند: پدر و مادر ژنتیکی (صاحبان اسپرم و تخمک)، مادر صاحب رحم، و پدر و مادر اجتماعی (گیرندگان گامت یا جنین). هر یک از طرف‌های ذکر شده، منافع و آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارد، ولی با توجه به آسیب‌پذیری فرزند حاصله، اوست که باید نقش اصلی و مرکزی را در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشد (لاریجانی و زاهدی، ۱۳۸۵، ص ۷).

البته در بسیاری از قوانین کشورها به این موضوع توجهی نمی‌شود؛ چنان‌که با تصویب

قوانین مربوط به رازداری در بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، بلژیک، کانادا، فرانسه و ایران، حق کودک بر هویتش نادیده انگاشته می‌شود و حق مشارکت‌کنندگان این فرآیند بر حق کودک مقدم می‌شود. البته برخی از کشورها از جمله سوئد، اتریش، هلند، نروژ، بریتانیا، نیوزیلند، فنلاند، ایالت ویکتوریا، استرالیا، غربی، ولز جنوبی از کشور استرالیا و سوئیس، قوانین خود را در این زمینه تغییر داده‌اند؛ اما هر یک از این نظام‌ها، عدم مسؤلیت اهداکننده در برابر کودک حاصل از فرآیند اهدا را به عنوان یک اصل قانونی پذیرفته‌اند (Blyth and Frith, 2009, P.177). پس قوانین مذکور، بستر شناسایی حقی با عنوان حق کودک بر هویت شمرده می‌شوند؛ زیرا به هر شکل ممکن توانسته‌اند از آزادی‌های فردی در مقابلدیگران حتی فرزندان خود افراد نیز حمایت کنند. شناسایی حق بر هویت، نتیجه مستقیم به رسمیت شناختن روابط آزاد جنسی و در پی آن، تولد ناشناس، آزادی اسقاط جنین و فرزندخواندگی است که با ورود تکنولوژی‌های نوین کمک باروری وضعیت پیچیده‌ای یافته است؛ زیرا در قوانین یاد شده، اصل بر پنهان داشتن اطلاعات والدین حقیقی طفل است و محرمانگی جزء لاینفک این قوانین می‌باشد. سپس این حق در کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد مطرح شده است.

حق کودک بر هویت در اسناد بین‌المللی

حق بر هویت از جمله حقوق بنیادی است که در اسناد بین‌المللی نیز انعکاس یافته است؛ از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- کنوانسیون حقوق کودک

مواد ۷، ۸ و ۹ این کنوانسیون، حق کودک را بر نام، تابعیت، شناسایی والدین و عدم جدایی از آنان، مورد حمایت قرار داده است. در ماده ۸، هویت، واژه‌ای بی‌حد و مرز

۱- ماده ۷-۱ هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آن‌ها نگه‌داری شود؛ ۲- حکومت‌های

نیست و جنبه‌های هویت یعنی ملیت، نام و روابط خانوادگی به وضوح مورد اشاره قرار گرفته‌اند. ماده بعدی که در آن اشاره‌ای صریح به هویت کودک وجود دارد، ماده ۲۹ است. در این ماده، هدف از آموزش کودکان، تشویق آنان است به احترام گذاشتن به هویت فرهنگی خود و دیگران که از فرهنگ‌های دیگرند. ماده ۳۰ نیز حق کودکان اقلیت و بومی را در بهره‌مندی از فرهنگ خودشان مورد حمایت قرار داده است، ولی هیچ توضیح و تعریفی از واژه‌های «فرهنگ» یا «کودکان اقلیت و بومی» در این کنوانسیون ارائه نشده است. هیچ یک از مواد این کنوانسیون یا مجموعه توصیه‌های الحاقی به آن، به طور صریح، حق کودک را برای حفظ هویت فرهنگی یا پیوندهای باارزش که از اجزای هویت فردی قلمداد می‌شوند، مورد حمایت قرار نداده است (Ronen, 2004, P.159).

البته کنوانسیون حقوق کودک در این زمینه تلاش کرده است تا راهکارهایی را به کشورهای مختلف نشان دهد که آنان بتوانند بر اساس رویکرد حفظ حق مذکور، قوانین خود را تغییر دهند. از جمله این راهکارها می‌توان به الزام به ثبت ولادت، اعطای تابعیت،

عضو پیمان، حقوق عنوان شده در این پیمان‌نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین‌المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می‌نمایند.

۱- ماده ۸: ۱- حکومت‌های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند؛ ۲- در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی به طور غیرقانونی خدشه‌دار شود، حکومت‌ها سریعاً درصدد ترمیم این خسارت برمی‌آیند.

۲- ماده ۹: ۱- حکومت‌های امضاکننده این پیمان‌نامه اطمینان می‌دهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آن‌ها جدا نمی‌شود مگر این‌که بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلاً وقتی کودک مورد سوءاستفاده قرار گیرد و والدین جدا از هم زندگی کنند، تکلیف اقامت کودک باید روشن شود؛ ۲- در موقع اجرای بند یک این ماده، باید امکان شرکت همه افراد مربوطه در آن تصمیم‌گیری را فراهم آورد؛ ۳- حکومت‌ها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آن‌ها از هم جدا شده‌اند، فراهم کنند مگر این‌که این عمل با منافع کودک در تضاد باشد؛ ۴- هرگاه جدایی نتیجه اقدام حکومت باشد، مثلاً زندان، تبعید و یا مرگ یکی از والدین یا هر دو آن‌ها و یا مرگ کودک (مرگ به هر علتی که باشد، تعیین‌کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعی در «اسارت» قانون بوده است)، حکومت امضاکننده این پیمان‌نامه موظف است بر پایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگر این‌که این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. حکومت‌ها اطمینان می‌دهند که افراد با تقاضای چنین درخواستی، از طرف حکومت در خطر قرار نمی‌گیرند.

حفظ ارتباط خانوادگی، منع کودک ربایی و خرید و فروش آنان و انجام فرزندخواندگی طبق مقررات و قوانین اشاره نمود^۱ (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۲۸-۳۰).

۲- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

در این کنوانسیون، علاوه بر پذیرش راهکارهایی برای انجام وظیفه دولت‌ها در حمایت از زندگی خانوادگی، تعریفی کوتاه از هویت ارائه شده است. اما در مواد این کنوانسیون، به وضوح به حق کودک بر هویت اشاره نشده است. ماده ۸^۲ این کنوانسیون، مرجعی برای حمایت از حق کودک بر هویت است که به گونه‌ای مثبت، کشورها را ملزم به حمایت از حقوق فردی در احترام به زندگی خانوادگی نموده است. اما همان‌طور که بینهام^۳ بیان می‌دارد، کارایی حق کودک نسبت به ولادت در چارچوب زندگی خانوادگی مشخص نیست. دادگاه اروپایی حقوق بشر، حکم نموده است که مفاد ماده ۸ از منافع حاصل از شناسایی منشأ ژنتیکی (پدر و مادر بیولوژیک) برای افراد حمایت می‌کند. با وجود این، این موضوع همچنان مبهم است. اگر آگاهی به منشأ ژنتیکی زندگی خانوادگی کودک را بی‌ثبات کند، کدام یک از منافع کودک باید مقدم شود و مورد حمایت قرار گیرد؟ چگونه می‌توان میان منافع مختلف کودک تعادل برقرار نمود؟ برای نمونه، چگونه می‌توان میان حق مداخله دولت به نفع کودک یا حق والدین که هر دو از حیات عاطفی کودک حمایت می‌کنند، تعادل برقرار کرد؟ تا چه حدی منفعت طفل در شناسایی والدینش باید مورد حمایت قرار گیرد؟ هیچ پاسخی به این سؤالات در کنوانسیون یا تفاسیر ارائه شده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر، داده نشده است. در نتیجه، اشاره صریح به هویت در این سند حقوقی بین‌المللی مهم، نمی‌تواند تأمین‌کننده یک چارچوب حقوقی مناسب برای محافظت از حق هویت کودک باشد (Ronen, 2004, P.159-160).

۱- برای مطالعه بیشتر موارد فوق‌الذکر بنگرید به: اسدی، لیلا سادات، «حق کودک بر هویت» نشریه ندای صادق، دانشگاه امام صادق 7، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۸۷، ص ۲۶-۴۶.

۲- ماده ۸: «هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است».

3-Bainham

۳- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این میثاق نیز هر چند به صراحت، به حق بر هویت کودک اشاره‌ای ننموده است، اما به یکی از راهکارهای حفظ آن اشاره نموده است. در بند ۳ ماده دهم آمده است: «اقدامات ویژه و بدون تبعیض مانند نسب و با وضعیت‌های دیگر در حمایت و مساعدت به تمام کودکان و افراد جوان به عمل آید». این راهکار اساسی‌ترین راهکار برای حفظ حق بر هویت کودک است که به نظر می‌رسد در قوانین کشورهای غربی، چندان به آن توجه نشده است.

۴- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۲۴ میثاق فوق‌الذکر^۱ نیز گرچه به صراحت به حق بر هویت کودک اشاره نکرده است، اما به برخی از راهکارهای حفظ آن اشاره نموده است.

۵- اعلامیه اسلامی حقوق بشر

در ماده هفتم این اعلامیه^۲ آمده است که کودک حقوقی را بر عهده والدینش دارد و آنان باید این حقوق را در ارتباط با او رعایت نمایند. اما این ماده فقط به برخی از حقوق مانند تربیت، نگهداری و تأمین مادی و بهداشتی اشاره نموده است. پس صراحتاً به حق هویت کودک اشاره نکرده است؛ زیرا دیدگاه اسلام بر این کنوانسیون حاکم است و

۱- ماده ۲۴: «۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض (از قبیل) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشأ اجتماعی، دارایی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد؛ ۲- هر کودکی باید بی‌درنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد؛ ۳- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد».

۲- ماده ۷: «الف - هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آن‌ها مبذول شود؛ ب - پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می‌خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی دارند؛ ج - بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند».

همان‌طور که در فرضیات این مقاله به آن اشاره شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این حق از حقوق ذاتی و اصیل کودک به شمار نمی‌رود و برآیند نظام حقوق بشری است. از سوی دیگر، در ماده ۲۵ این اعلامیه^۱ آمده است که شریعت اسلام تنها مرجع برای تفسیر مواد آن است، بنابراین، در ادامه مقاله، دیدگاه تنها مرجع این اعلامیه، یعنی اسلام، بررسی می‌شود و اثبات فرضیه فوق تسهیل می‌گردد.

راهکارهای اسلام در حفظ حق کودک بر هویت

اسلام در بحث حقوق کودک، یکی از نظام‌های پیشرفته حقوقی است. نظام حقوقی اسلام پیش از آن‌که حقوق والدین و کودکان در تزامن با هم قرار گیرند، به والدین گوشزد می‌نماید که طفل از حقوقی ویژه برخوردار است. پس والدین نمی‌توانند به صلاحدید خود منافع خویش را بر منافع کودکان خود مقدم دارند. از جمله مباحث مربوط به حقوق کودک، بحث هویت اوست که اسلام با قوانین ویژه خود مانع از هتک حرمت و تجاوز به این حق شده است. پس از این مقدمه کوتاه، به توضیح راهکارهای مذکور که شامل اعتراف به نسب و حضانت، تابعیت فرزندان، نامگذاری، تأکید بر تشکیل و حفظ خانواده، عدم پذیرش و تأیید فرزندخواندگی، وجوب برداشتن لقیط و تحریم زنا و روابط نامشروع پرداخته می‌شود.

۱- اعتراف به نسب و حضانت

نخستین حق اولاد این است که والدین به فرزندی‌اش اقرار و اعتراف نمایند و حضانتش را پذیرا باشند و به پرستاریش بپردازند. فرزندان نیاز به حضانت دارند و باید در دامن پر مهر و محبت والدین پرورش یابند و در هیچ شرایطی از والدینشان جدا نشوند (حاج شریفی، ۱۳۷۴، ص ۵۰). البته لازم به ذکر است که نسب از حقوقی است که به

۱- ماده ۲۵: «شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می‌باشد».

خدا، کودک و والدین وی تعلق دارد. از آن جهت حقوق کودک است که باعث دفع ننگ و عار از کودک می‌شود و اثبات آن، حقوق بی‌شماری از جمله حق حضانت، حق نفقه، حق ولایت و حق ارث و سایر حقوق را برای وی ثابت می‌کند (بدران، بی‌تا، ص ۷۰). بنابراین اولین حق پس از جدا شدن کودک از مادر، نسب است (همان، ص ۱).

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «از حقوق فرزند بر پدر آن است که نسبش را انکار ننماید». همچنین می‌فرماید: «هر مردی که فرزند خود را انکار کند - درحالی که می‌داند از اوست - خداوند وی را از رحمتش محروم می‌کند و در قیامت پیش همه آفریدگان از اولین تا آخرین رسوایش می‌سازد» (حاج شریفی، ۱۳۷۴، ص ۵۰-۵۱). امام زین‌العابدین ۷ ضمن برشمردن حقوق فرزند بر پدر می‌فرماید: «حق فرزندان بر تو این است که بدانی او از تو به وجود آمده است و در نیک و بد زندگی وابسته توست».

شناسایی حق تابعیت خانوادگی فرزند از جمله حقوق اولیه کودک است که ضمن بهره‌مند ساختن او از حق نگهداری و سرپرستی، امنیت و آرامش روانی کودک و مادر نوزاد را فراهم می‌نماید. اسلام علاوه بر تأکید فراوان بر تحقق این امر، می‌خواهد روزها و ماه‌های اول تولد کودک که در تکامل ساختمان روانی آینده او بسیار پراهمیت است، در فضایی چنان مطبوع و دلپذیر واقع شود که پدر و مادر، هر دو، کودک را دوست بدارند و به ایجاد آغازی نیکو در زندگی فرزندشان و مرحله‌ای نوین در زندگی مشترک خودشان اشتیاق کامل داشته باشند.

از این روست که یکی از مستحبات زمان تولد، مژده ولادت فرزند است و نیز مستحب است که به برادر مسلمانی که خداوند به او فرزندی عطا نموده است، تبریک گفته، برای فرزندان و والدین او دعای خیر کنند. این بدان معناست که اعضای جامعه دینی در به رسمیت شناختن انتساب فرزند به پدرش و آرزوی آینده‌ای پربرکت برای این عضو جدید جامعه اسلامی، پیشگام باشند.

در قرآن کریم نیز در چند آیه به مناسبت‌های مختلف، مژده ولادت فرزند مطرح شده است تا ضمن بیان موضوع، به امت اسلامی پیاموزد که این بشارت و تبریک چه اثر مهمی در رشد و استحکام روابط خانوادگی و اجتماعی دارد و فرزندی که به دنیا آمده،

دارای چه مقام و ارزشی نزد خداوند است. قرآن در داستان حضرت زکریا 7 می‌فرماید که مأموران بشارت دهنده ولادت حضرت یحیی 7 از جانب خداوند، فرشتگان بوده‌اند: «پس در حالی که وی ایستاده و در محراب دعا می‌کرد، فرشتگان، او را ندا در دادند که: خداوند تو را (به ولادت) یحیی مژده می‌دهد» (آل عمران، ۳۹) و در آیه هفتم از سوره مریم چنین آمده است: «ای زکریا، ما تو را به پسری - که نامش یحیی است - مژده می‌دهیم، که قبلاً هم‌نامی برای او قرار نداده‌ایم».

در قرآن همچنین بشارت ولادت حضرت اسحق، یعقوب و عیسی نیز مطرح شده است. در کتاب‌های سیره نیز می‌خوانیم که پیامبر 6 به هنگام ولادت امام حسن 7 و امام حسین 7 در حق بشارت‌دهندگان ولادت فرزندانش دعای خیر نمودند. همچنین در برخی از روایات می‌خوانیم که در ولادت حسین 7، جبرئیل به پیامبر 6 تهنیت گفته است. اسلام علاوه بر تأکید و تصریح بر رعایت حقوق به عنوان یک اصل، زمینه و فضای لازم را برای تحقق شایسته رعایت حقوق نیز فراهم می‌آورد. پیش‌بینی پاداش و اجر و ثواب و توصیه‌های اخلاقی، همه برای حفظ حریم حقوق انسانی و اسلامی کودک و بزرگ از غفلت و تعدی و تجاوز است.

پدر خانواده بدون دلیل، حق ندارد فرزند را از خود و در نتیجه از حق تابعیت خانوادگی نفی کند، یا با طلاق و بی‌توجهی به مادر، کودک را از کانون گرم خانواده محروم سازد (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱-۱۱۳). این امر تا حدی دارای اهمیت است که اگر مردی بیگانه با همسر دائمی شخصی زنا کند، طبق قاعده فراش، فرزند از آن شوهر خواهد بود و شوهر نمی‌تواند به واسطه زنای همسرش، کودک را از خودش نفی کند؛ زیرا شارع حکم کرده است که فرزند برای صاحب فراش است و اگر صاحب فراش بخواهد فرزند را از خود نفی کند، جز با لعان مادر این کار صورت نمی‌گیرد و چنانچه فرزند را از خود نفی کند و در عین حال حاضر به لعان نشود، شوهر به خاطر نفی ولد حد می‌خورد (جبعی عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۴۴).

البته انکار فرزندان می‌تواند انگیزه‌های گوناگونی داشته باشد؛ مانند محروم کردن فرزندان از ارث یا شانه خالی کردن از دیگر تعهدات و مسؤولیت‌های پدری. به هر حال، این کار از نظر شارع مقدس اسلام، عملی زشت و نکوهیده است؛ لذا در

متون فقهی، مسأله اثبات نسب فرزند و انکار نسبت فرزند به پدر بسیار جدی تلقی شده و به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳) و به همین دلیل احکام زیر را درباره نسب تشریح نموده است:

- هرکس مرتکب تبنی شود؛ یعنی موجودی را که در اصل فرزند او نیست، به خودش نسبت دهد، مرتکب حرام شده است.
- ادعای نسب غیرواقعی حرام است.
- نفی نسبی که واقعی است، حرام است.
- هر کاری که موجب اختلاط نسب شود و نسب واقعی شخص را محو و مخفی نماید حرام است (روحانی علی آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۹).

اما حق دیگر کودک که پس از اقرار به نسب به دنبال آن ثابت می‌شود، حق حضانت و نگهداری اوست. حضانت عبارت است از ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک، گذاردن او در بستر، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن، شستن جامه‌های او و مانند آن (جبعی عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۷۶). بنابراین پدر و مادر باید فرزند خود را تربیت و نگهداری نمایند و وی را از کانون گرم خانواده محروم نسازند. علاوه بر حضانت، نهاد حمایتی دیگری نیز از دیدگاه اسلام مطرح است که ولایت نام دارد. این نهاد حمایتی هم در کنار حضانت یا بعد از آن، والدین یا سایر افراد (در صورت عدم وجود والدین) را ملزم به حمایت از کودک با حفظ هویتش می‌کند.

۲- تابعیت فرزند

حق تابعیت از حقوق طبیعی و اجتماعی کودکان است. هر کودک جز در موارد کمیاب، از نظر دیانت و ملیت تابع والدین خود است. البته کودکان بعد از رسیدن به سن رشد و بلوغ می‌توانند با آگاهی و بصیرت، دیانت و ملیت والدین خود را قبول نمایند یا وضعیت دیگری را برگزینند. پس از رسیدن به سن رشد و کمال، والدین و هیچ کس دیگری نمی‌توانند حق تابعیت را از آنان سلب نمایند یا ایشان را به برگزیدن تابعیت دینی یا وطنی دیگر مجبور نمایند. انسان عاقل و مکلف، خود در انتخاب راه درست مختار است و

از همین روست که ثواب و عقاب بر گفتار و کردارش مترتب می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی» (بقره، ۲۵۶؛ حاج شریفی، ۱۳۷۴، ص ۵۲-۵۳؛ بهشتی، بی‌تا، ص ۴۸).

۳- نام‌گذاری

حق داشتن نام از بدیهیات است. آنچه باید در نام‌گذاری رعایت شود، زمان و چگونگی نام‌گذاری است که در روایات اسلامی بیان شده است. طبق دستور اسلام، بهتر است قبل از ولادت فرزند، نام نیکویی برایش انتخاب شود.

حضرت علی ۷ می‌فرماید: «فرزندان را قبل از ولادتشان نام‌گذاری نمایید. اگر نمی‌دانید فرزندان پسر است یا دختر، نامی برایش انتخاب کنید که هم برای پسر و هم برای دختر مناسب باشد؛ زیرا کودکی که از شما سقط می‌شود و بر او نامی ننهادید، هر گاه در قیامت با شما ملاقات نماید، به پدرش می‌گوید، چرا بر من نام ننهادی، با این‌که پیامبر خدا ۶ نوه خویش را پیش از تولد، «محسن» نامیده بود؟» این در حالی است که در ماده ۷ کنوانسیون، تنها به نام‌گذاری کودک پس از تولد اشاره شده است.

همچنین پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «نام و تربیتش را نیکو کن و برایش شغل مناسبی در نظر بگیر» (حاج شریفی، ۱۳۷۴، ص ۵۴؛ بهشتی، بی‌تا، ص ۵۴).

همچنین پیامبر ۶ می‌فرماید: «اولین هدیه‌ای که هر یک از شما به فرزندش می‌بخشد، نام خوب است. پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید» (طیبی، ۱۳۷۶، ص ۵۵). امام صادق ۷ نیز در این باره می‌فرماید: «فرزند سه حق واجب بر پدر دارد: مادر او را [از خانواده‌ای شریف و عقیف که دارای صفات نیکو باشند] انتخاب نماید، نام نیکویی بر او گذارد، و در تربیت او کوشش بسیار کند» (حکیم، ۱۳۶۰، ص ۲۱۰). بنابراین داشتن نام نیکو یکی از حقوق مسلم فرزند است که روایات بسیاری از شیعه و سنی به این مسأله اشاره کرده‌اند. نکته ظریفی که در روایات به چشم می‌خورد، این است که به نظر معصومان، نام خوب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و علاوه بر این‌که از نظر روانی تأثیر بسزایی بر شخصیت کودک دارد، هدیه و احسانی است نیکو و ماندگار (طیبی، ۱۳۷۶، ص ۶۷). این در

حالی است که در ماده ۷ کنوانسیون، تنها به حق نامیدن کودک به یک نام بیان شده است، اما از دیدگاه اسلام، حق کودک تنها با نامگذاری به یک نام - هر چه باشد - ایفا نمی‌شود، بلکه در اسلام، انتخاب نامی نیکو و شایسته به عنوان حق کودک مورد تأکید قرار گرفته است (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴). نام خوب، شخصیت، اعتماد و اعتبار فرزند را تقویت می‌کند و نام زشت و سبک، اسباب رنج روحی و آزرده‌گی خاطر او را فراهم می‌کند و او را در معرض استهزا و تحقیر دیگران قرار می‌دهد و در وی عقده روانی ایجاد می‌کند. یکی از متخصصان روان‌شناسی کودک در مقاله‌ای تحت عنوان «حق نام و حق تابعیت» می‌نویسد: نام بسیار بالاتر از یک برچسب و یا یک عنوان خاص است. نام، نشانه شخصیت و هستی جداگانه هر فردی است ... در تحلیلی که «اینیاس سرسون» فیلسوف فرانسوی درباره وظیفه اجتماعی نام به عمل آورده است، اهمیت آن را در جوامع باستانی نشان می‌دهد و می‌نویسد: «کودک پیش از آن‌که اسمی برای او تعیین گردد، وجود ندارد. نام، هم نمودار شخصیت و استقلال فرد است و هم شخصیت و استقلال فردی به انسان می‌بخشد. نام برای جایگاهی که یک گروه برای فرد قائل است و برای حمایتی که یک گروه برای فرد تأمین می‌کند، وسیله سنجش به شمار می‌رود. مثلاً دورانی که در آن امضا، اندک اندک اعتبار پیدا کرده، دوران مهمی است. نام، نمودار و بخشنده نوع بسیار خاصی از هویت به فرد انسانی است. در روایات آمده است که پیامبر ۶ نام‌های ناپسند اعم از نام اشخاص یا سرزمین‌ها را تغییر می‌دادند و نام‌های نیکو را جایگزین می‌کردند (همان، ص ۱۴۶).

۴- تأکید بر تشکیل و حفظ خانواده

از نگاه اسلام، خانواده محبوب‌ترین بنیاد و بنیان اجتماعی است. پدر و مادر بر اساس پیوند ازدواج در کنار هم قرار می‌گیرند و کانون پر مهر و محبت خانواده را تشکیل می‌دهند. کودک محصول این پیوند مقدس خواهد بود. از نظر اسلام، حکمت تشریح ازدواج و تأکید بر آن به عنوان یک سنت، در پاسخ‌گویی به نیاز فطری انسان در کنار زوج و همچنین بقای نسل نهفته است. بنابراین، اولین گام در تحقق حقوق کودک، ازدواج

قانونی و شرعی است که در کانون مقدسی به نام خانواده تجلی می‌یابد. تولد فرزند خارج از این دایره، اولین تعدی به حقوق کودک است که اسلام از آن نهی کرده است. کودکی که خود را محصول پیوندی بی‌هویت و غیر مقدس بداند، در آینده دچار اختلال‌های عاطفی و رفتاری فراوان خواهد شد. بسیاری از کودکان بزهکار، نابهنجاری عاطفی و رفتاری خود را از این مسأله به ارث برده‌اند (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۶۹-۷۰). البته باید به این مسائل، عدم شناسایی و عدم دسترسی کودک به پدر و مادرش را هم افزود که خود باعث سردرگمی و احساس بی‌هویتی در وی می‌شود. بنابراین هر کودکی حق دارد خود را متعلق به نهادی مقدس و قانونی بداند و الا از نظر فردی و اجتماعی دچار محدودیت‌های فراوانی خواهد شد. از این روست که ازدواج شرعی را پیامبر ﷺ ترغیب نمود و سنت خود معرفی فرمود؛ زیرا سنت و سیره پیامبر ﷺ جز رسیدن به فلاح و رستگاری نیست و ازدواج بهترین بنیان‌ها و تشکیل خانواده، محبوب‌ترین کارها نزد خداوند است: «هیچ بنیانی در اسلام در نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر از ازدواج و تشکیل خانواده نیست» (همان، ص ۷۰). از این عبارات می‌توان چنین نتیجه گرفت که اسلام با تأکید بر تشکیل و حفظ خانواده، علاوه بر تأمین نیازهای زوجین، به صلاح و مصلحت کودک نیز نظر داشته است؛ زیرا تا هنگامی که خانواده پابرجاست و کودک در آن رشد می‌یابد، وی دچار بی‌هویتی نمی‌گردد. بنابراین، هویت کودک در صورت انحلال خانواده از طریق طلاق که مغبوض‌ترین حلال‌ها نزد خداوند است یا از طریق شکل‌گیری روابط نامشروع میان زن و مرد، به خطر می‌افتد و اسلام با تأکید بر تشکیل و حفظ خانواده، راه را بر روی این موارد بسته است.

۵- عدم پذیرش و تأیید فرزندخواندگی

فرزندخواندگی یعنی این که زن و شوهری، طفلی را به عنوان فرزند قانونی بپذیرند و متعهد شوند که مانند فرزند واقعی خویش با او رفتار می‌کنند و از مزایای قانونی بهره‌مندش می‌سازند (محلای، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳).

در اسلام تعالیم قانونی و اخلاقی بسیاری درباره کودکان بی سرپرست وجود دارد و آیات و روایات زیادی به حقوق یتیم پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به آیات و روایات زیر اشاره نمود:

الف - آیات

«... از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح کار آن‌ها بهتر است و اگر با آنان همزیستی کنید، برادران [دینی] شما هستند و خدا تبهکار را از درستکار باز می‌شناسد؛ و اگر خدا می‌خواست، شما را به زحمت می‌انداخت؛ زیرا بی‌گمان، خدا توانا و حکیم است» (بقره، ۲۲۰).

- «اموال یتیمان را [هنگامی که به رشد رسیدند] به آنان باز دهید و اموال ناپاک و نامرغوب [خودتان] را با اموال [پاک یتیمان] مخلوط نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود نخورید؛ زیرا این کار گناهی بزرگ است» (نساء، ۲).

- «اگر می‌ترسید که در ازدواج با دختران یتیم عدالت را رعایت نکنید، با زنان دلخواه [دیگر] ازدواج کنید» (همان‌جا).

- «یتیمان را بیازمایید تا هنگامی که به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در آنان رشدی یافتید، اموالشان را به ایشان برگردانید و آن را از بیم آن‌که بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. هر قیم که بی‌نیاز است، می‌تواند به مقدار متعارف [در برابر نگهداری از مال یتیم] ارتزاق کند. پس هرگاه اموالشان را به آنان رد کردید، [افرادی را] گواه و شاهد بگیرید [این گواهی‌ها برای حفظ ظواهر حقوق یتیمان است] و خداوند برای حساب‌رسی کافی است» (همان، ۶).

ب - روایات

- پیامبر ۶: «بهترین خانه‌های شما خانه‌ای است که در آن، به یتیمی نیکی شود و بدترین خانه‌ها خانه‌ای است که در آن با یتیمی بدرفتاری شود».

- پیامبر ۶: «هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا [دوران کودکی‌اش سپری گردد] و از سرپرستی بی‌نیاز شود، خداوند به سبب این کار، بهشت را بر او واجب خواهد ساخت».

روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد.^۱

پس از ذکر حقوق یتیمان و اهمیت آنان در دین اسلام، باید یادآور شد که در اسلام فرزندخواندگی به این معنی که پس از پذیرش سرپرستی کودک، تمام آثار فرزند نسبی از جمله اعطای نام خانوادگی سرپرست، درباره وی جاری شود، مشروع نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است. این گفتار شما زبانی و بی‌حقیقت است و خدا به حق سخن می‌گوید و اوست که شما را به راه راست راهنمایی می‌کند. پسر خوانده‌ها را به پدرانشان نسبت دهید که این نزد خدا، به عدل و راستی نزدیک‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنان برادران [دینی] و آزادکرده‌های شما هستند» (بقره، ۲۲۰).

به این ترتیب، می‌بینیم که هر چند در اسلام، سرپرستی یتیمان و تکفل و نگهداری اطفال بی‌سرپرست امری خداپسند و مورد تأکید است، اما به حکم نص صریح، بین طفل و خانواده‌ای که سرپرستی او را به عهده می‌گیرد، هیچ گونه قرابتی ایجاد نمی‌شود و فرزندخواندگی دربرگیرنده آثاری از قبیل حرمت نکاح، ارث، الزام به انفاق، دریافت نام خانوادگی سرپرست و ... نیست؛ بلکه صرفاً امری اخلاقی و تعهدی انسانی تلقی می‌گردد (محلّاتی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶-۱۳۲). این در حالی است که در کشورهای غربی فرزندخواندگی به گونه‌ای بود که طفل هرگز از منشأ ژنتیکی خود آگاه نمی‌شد و اطلاعات مربوط به پدر و مادر بیولوژیک وی پنهان می‌ماند و کودک باید نام خانوادگی سرپرست را اختیار می‌نمود. هر چند در سال‌های اخیر قوانین فرزندخواندگی در بعضی از کشورها تغییر نموده و اطلاعات وی در اختیارش قرار می‌گیرد، اما هنوز هم حق کودک بر هویتش مورد تجاوز واقع می‌شود.

۱- طاهری، حبیب‌الله، «نقش باورهای دینی در رفع نگرانی‌ها»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

[http://www.islamiccenter.com/ketaabkhaaneh/SALAAMAT/naqsh_baavarhaaye_dini_taaheri_10.html\(91/3/20\)](http://www.islamiccenter.com/ketaabkhaaneh/SALAAMAT/naqsh_baavarhaaye_dini_taaheri_10.html(91/3/20))

۶- وجوب برداشتن لقیط (کودک گمشده)

لقیط انسانی است که گمشده و وقتی او را می‌یابند و برمی‌دارند، سرپرستی ندارد و خودش به تنهایی نمی‌تواند نیازهایش را برآورد؛ و آنچه به صلاحش است، انجام دهد و نمی‌تواند خطراتی را که معمولاً می‌توان دفع کرد، از خود برطرف کند. کودکان اگرچه ممیز باشند، تا وقتی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، چون مستقل به نفس نیستند و از عهده امور خود بر نمی‌آیند، بنابر اقوی از زمین برداشته می‌شوند؛ اما اگر بالغ شده باشند، برگرفتن آن‌ها ممنوع است. چون در این صورت مستقل به نفس هستند و تحت ولایت قرار نمی‌گیرند. بنابراین، در صورت وجود و شناخته شدن پدر یا جد پدری و بالاتر، و نیز مادر و بالاتر، یا وصی، برگرفتن او صحیح نخواهد بود، و کودک به ایشان تحویل داده می‌شود؛ یعنی واجب است کودک را به ایشان تحویل دهد، چون حق ایشان نسبت به طفل، سابق بر حق اوست و لذا آن‌ها مقدم هستند و آن‌ها نیز مجبورند کودک را تحویل بگیرند (جبعی عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۶۰-۱۶۲). همچنین بر وی واجب است که به نحو متعارف از کودک گمشده نگهداری کند، به این صورت که او را تحت کفالت و سرپرستی خود درآورد و امر تربیت او را شخصاً یا به وسیله دیگری سامان دهد (همان، ص ۱۷۲). همچنین بر کسی که لقیط را بر می‌دارد، مستحب است که برای برداشتن او شاهد بگیرد، تا نسب و حریت لقیط محفوظ بماند (همان، ص ۱۷۷). بنابراین، وی باید طفل را نگهداری کند، اما حق ندارد نسب کودک را مخدوش نماید و وی را طفل خود بشمارد و ارتباط طفل را با گذشته‌اش قطع نماید.

۷- تحریم زنا و روابط نامشروع

با بررسی احادیث مربوط به زنا و حرمت آن، برخی از علت‌های تحریم زنا شامل اختلاط انساب، فساد مواریث، ترک کردن تربیت اطفال، قرار دادن نطفه در محلی که خداوند قرار دادن آن را در آن محل حرام کرده است، عدم شناسایی پدر و مادر توسط کودک نامشروع، اختلاط محرم و نامحرم، قطع رحم، بروز اختلافات شدید خانوادگی، متلاشی شدن کانون خانواده و به وجود آمدن فرزندان بدون نسب می‌باشد.

بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌نمایید، یکی از علل تحریم زنا، عدم شناسایی پدر و مادر طفل توسط اوست که تعارض شدیدی با حق کودک بر هویتش دارد (روحانی علی آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۸).

پس از بررسی راهکارهای اسلام در آن زمینه باید اذعان نمود که قوانین موضوعه ایران نیز تا حد زیادی از این اصول در حفظ حق مذکور تبعیت نموده است، هر چند که می‌توان ادعا کرد که اگر در قوانین فعلی ایران اثری از نادیده انگاشتن این حق دیده می‌شود، به خاطر تأثیری است که قوانین مذکور از قوانین غربی گرفته و تا حدی از قوانین اصیل اسلامی دور شده است. هر چند حقوق ایران حمایت‌های بسیاری را از حق بر هویت کودک کرده است و قوانین بسیاری را در باب نسب، اهدای جنین، ثبت احوال و سرپرستی کودکان با حفظ نام و نام خانوادگی پیشین وی تصویب نموده و ضمانت‌اجراهای فراوانی از جمله جرم‌انگاری دزدیدن طفل تازه متولد شده، عدم استرداد طفل، رهاکردن طفل، ربودن طفل، دروغ در خصوص هویت طفل، خرید و فروش کودک و قاچاق کودک را در نظر گرفته است^۱، ولی از سه جهت می‌توان اشکالاتی را به قوانین مذکور وارد دانست:

الف - قوانین مربوط به عدم ثبت ولادت کودکان پناهنده: طبق قوانین ایران، اتباع خارجی می‌توانند تولد کودکان خود را ثبت کنند، اما نمی‌توانند به سادگی شناسنامه بگیرند؛ زیرا داشتن شناسنامه به معنی اثبات تابعیت ایرانی است. موضوع تابعیت یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های مرتبط با ثبت ولادت است و می‌تواند مانع ثبت تولد یک کودک بشود. بیشتر دولت‌ها اعطای تابعیت را بر اساس آنچه که موسوم به «قانون خاک» یا «قانون خون» و یا ترکیبی از هر دو است، انجام می‌دهند. بنا بر قانون مدنی ایران، تابعیت بیشتر بر اساس قانون خون پدری اعطا می‌گردد، کودکان نمی‌توانند تابعیت مادران خود را بگیرند. ایران پیمان‌نامه در باره کاستن از موارد بی‌وطنی سال ۱۹۶۱م را تصویب نکرده است که بر طبق آن، در صورتی که هیچ دولتی تابعیت خود را اعطا نکند، کودکان باید تابعیت

۱- برای مطالعه بیشتر موارد فوق‌الذکر بنگرید به: اسدی، لیلا سادات، «حق کودک بر هویت»، نشریه ندای صادق ۷، دانشگاه امام صادق ۷، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۸۷، ص ۲۶-۴۶.

کشوری را بگیرند که در آن متولد شده‌اند، یا در صورتی که کودکان موفق به تهیه درخواست لازم برای اعاده این حق خود نشوند، باید بتوانند تابعیت یکی از والدین خود را اختیار کنند. تا کنون قانون ثبت احوال ایران هیچ مقرراتی برای تضمین حق تابعیت کودکان، به خصوص در شرایطی که در صورت عدم تحقق آن کودک دچار بی‌وطنی می‌شود، به تصویب نرسانده است. کودکانی که از مادران ایرانی متولد می‌شوند که با مردان خارجی ازدواج کرده و شوهرانشان آن‌ها را ترک کرده‌اند، به خاطر قوانین موجود اغلب فاقد تابعیت یا شناسنامه هستند. بر طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج یک زن ایرانی با یک خارجی - در صورتی که ممنوعیت قانونی نداشته باشد - فقط با صدور مجوز خاص دولتی مجاز می‌باشد. از آن‌جا که ورود اغلب متقاضیان پناهندگی به کشور، به ویژه افغان‌ها، قانوناً به ثبت نرسیده است، ازدواج آن‌ها را نمی‌توان ثبت کرد و در نتیجه کودکان آن‌ها نمی‌توانند شناسنامه بگیرند.^۱

ب - عدم تضمین دولت در ثبت ولادت کودک در صورت عدم ثبت آن از سوی والدین: در صورتی که پدر و مادر به ثبت ولادت کودک خود اقدام نکنند، دولت هیچ وظیفه‌ای در تضمین ثبت ولادت کودک بر عهده ندارد. همچنین، ثبت ولادت در ایران رایگان نیست؛ در نتیجه، بعضی از والدین از ثبت ولادت کودک خود خودداری نمایند.

ج - قوانین مربوط به رازداری در اهدای گامت در ایران: در مورد محرمانه بودن اهدا و انتقال جنین و ضرورت عدم افشای نام اهداکنندگان برای زوجین دریافت‌کننده، قانون نحوه اهدای جنین، سکوت اختیار کرده و این قاعده در آیین‌نامه اجرایی قانون آمده است، در حالی که لازم است در خود قانون به این قاعده تصریح گردد. همچنین این مورد از مواردی است که قانون ایران بر اساس دیدگاه‌های غربی تدوین شده است.

۱- برای مطالعه بیشتر بنگرید به: عباسی، عاطفه و فاطمه بدایعی، «حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی»، نشریه ندای صادق، دانشگاه امام صادق 7، شماره ۵۱، پاییز و زمستان ۸۸، ص ۱۰۵-۸۶.

یافته‌های پژوهش

حق بر هویت کودک از حقوقی است که در کنوانسیون حقوق کودک به آن اشاره شده و مصادیقی برای آن برشمرده شده است، مانند نام، نام خانوادگی، تابعیت و روابط خانوادگی. همچنین این کنوانسیون، راهکارهایی را در جهت حفظ حق هویت ارائه داده است که از آن جمله می‌توان به الزام ثبت ولادت، منع کودک‌ربایی و خرید و فروش کودکان، اعطای تابعیت، انجام فرزندخواندگی بر اساس قوانین و مقررات و حفظ روابط خانوادگی اشاره نمود. در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز صریحاً به این حق کودک اشاره نشده است. البته اشاره ضمنی در این زمینه در این کنوانسیون و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی وجود دارد. همچنین محدوده این حق کودک در آن مشخص نیست.

البته ناگفته نماند که این حق از حقوق اساسی کودک به شمار نمی‌رود و همان طور که در مقاله به آن اشاره شد، این حق در واقع تالی فاسد قوانین غربی درباره روابط آزاد جنسی، اهدای جنین و گامت، فرزندخواندگی و تولد ناشناس است. در نتیجه، شناسایی این حق به خاطر آن است که در جای دیگر نظام‌های قانونگذاری به حق وی تجاوز شده و تمامیت وجودی وی نادیده انگاشته شده است.

اسلام در بحث حقوق کودک، یکی از نظام‌های پیشرفته حقوقی است. نظام حقوقی اسلام پیش از آن‌که حقوق والدین و کودکان در تزامن با هم قرار گیرند، به والدین گوشزد می‌کند که طفل از حقوقی ویژه برخوردار است. پس والدین نمی‌توانند به صلاحدید خود منافع خویش را بر منافع کودکان خود مقدم دارند. از جمله مباحث مربوط به حقوق کودک، بحث هویت اوست که اسلام با قوانین ویژه خود مانع از هتک حرمت و تجاوز به این حق شده است. قوانین اسلامی با توجه به حفظ نسب و حرمت زنا مانع از گم شدن هویت کودک و در نتیجه شناسایی این حق برای حفظ منافع کودک شده است. اسلام، راهکارهایی را در جهت پیش‌گیری از تجاوز به این حق کودک ارائه داده است که از جمله می‌توان به وجوب اعتراف به نسب و حضانت طفل، وجوب نامگذاری، اعطای تابعیت فرزند، عدم پذیرش فرزندخواندگی، تأکید بر حفظ خانواده و روابط خانوادگی و وجوب برداشتن لقیط اشاره کرد. البته باید دانست که اگر در قوانین فعلی ایران اثری از نادیده انگاشتن این حق دیده می‌شود، به خاطر تأثیری است که قوانین مذکور از قوانین غربی گرفته و از قوانین اصیل اسلامی دور شده است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ✓ آزاد ارمکی، تقی، *فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن*، تهران، مؤسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی، ۱۳۸۶، چاپ اول
- ✓ اسدی، لیلا سادات، «حق کودک بر هویت»، ندای صادق 7، دانشگاه امام صادق 7، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷
- ✓ بدران، ابوالعینین، *حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون*، اسکندریه، مؤسسه شباب الجامعه، بی تا
- ✓ بهشتی، احمد، *اسلام و حقوق کودک*، بی جا، بی نا، بی تا
- ✓ جبعی عاملی، زین الدین بن علی، *شرح اللمعه*، ترجمه علی شیروانی و محمد مسعود عباسی، قم، دارالعلم، ۱۳۸۷، چاپ هشتم
- ✓ حاج شریفی، محمدرضا، *حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام*، قم، سینا، ۱۳۷۴، چاپ اول
- ✓ حکیم، سید محمد تقی، *درس‌هایی از مکتب امام صادق 7*، بی جا، بی نا، ۱۳۶۰، چاپ سوم
- ✓ دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم
- ✓ رواسانی، شاپور، *زمینه‌های اجتماعی هویت ملی*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰، چاپ سی و هشتم
- ✓ روحانی علی آبادی، محمد، *حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه، روش‌های نوین تولید مثل انسانی*، تهران، سمت، ۱۳۸۲، چاپ اول
- ✓ الطائی، علی، *بحران هویت قوی در ایران*، تهران، شادگان، ۱۳۷۸، چاپ اول
- ✓ طاهری، حبیب الله، «نقش باورهای دینی در رفع نگرانی‌ها»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

[http://www.islamicecenter.com/ketaabkhaaneh/SALAAMAT/naqsh_baarvarhaaye_dini_taaheri_10.html\(91/3/20\)](http://www.islamicecenter.com/ketaabkhaaneh/SALAAMAT/naqsh_baarvarhaaye_dini_taaheri_10.html(91/3/20))

- ✓ طبسی، محمد جواد، *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، چاپ دوم
- ✓ قانع بصیری، محسن، *جهان انسانی، انسان جهانی*، تهران، توسعه، ۱۳۷۴، چاپ اول
- ✓ کمالی اردکانی، علی اکبر، «بحران هویت و عوامل تشدید آن در ایران»، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، چاپ اول
- ✓ لاریجانی، باقر و فرزانه زاهدی، «ملاحظات اخلاقی در اهداء گامت و جنین»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، پیوست شماره ۱، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
- ✓ محرمی، توحید، «هویت ایرانی، اسلامی ما»، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت در ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، چاپ اول
- ✓ محلاتی، شهربانو، *بررسی قوانین فقهی - حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی*، تهران، شبر، ۱۳۸۶، چاپ اول
- ✓ معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، سرایش، ۱۳۸۱، چاپ سوم
- ✓ وزیری، مجید، *حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، چاپ اول
- ✓ هانتینگتون، ساموئل، *چالش‌های هویت در آمریکا*، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه، حسن سعید کلاهی خیابان و عباس کاردان، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۴، چاپ اول

منابع لاتین

- ✓ Blyth, Eric and Frith, Lucy, "*Donor-Conceived People's Access to Genetic and Biographical History: An Analysis of Provisions in Different Jurisdictions Permitting Disclosure of Donor Identity*", International Journal of Law, Policy and the Family, Oxford University, Vol.23, No.2, 2009
- ✓ Ishaque, Shabnam, "*Islamic principles on adoption: examining the impact of illegitimacy and inheritance related concerns in context of*"

- a child's right to an identity*", International Journal of Law, Policy and the Family, Oxford University, Vol.22, No.3, 2008.
- ✓ Lefaucheur, Nadine, "***The French tradition of anonymous birth***", International Journal of Law, Policy and the Family, Oxford University, Vol.18, No.3, 2004
 - ✓ Ronen, Yair, "***Redefining the child's right to identity***", International Journal of Law, Policy and the Family, Oxford University, Vol.18, No.2, 2004
 - ✓ Willenbacher, Barbara, "***Legal transfer of French traditions? German and Austrian initiatives to introduce anonymous birth***", International Journal of Law, Policy and the Family, Oxford University, Vol.18, No.3, 2004